

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز
۲۷ اکتوبر ۲۰۱۵

سفرم به چین، هانگ کانگ و ماکائو

به تاریخ ۱۵ اکتوبر عازم چین شده و به روز ۲۲ اکتوبر به امریکا برگشتم. این سفر مختصر توسط یک دوستم از برازیل که مدت ۳۰ سال با هم همکار بودیم، ترتیب داده شده بود. درین جا می خواهم که جریان سفر و مشاهدات خود از آن کشور و دو منطقه خود مختار هانگاگ و ماکائو را خدمت هم میهنان تقدیم نمایم. باید متذکر شوم که من چین شناس نیستم و چند روز اقامت مختصر در آن کشور من را به هیچ وجه قادر نمی سازد جریانات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور عظیم مانند چین را بیان نمایم. لاکن صرف نوع برداشت خود را از سفرم به آن کشور، هانگانگ و ماکائو طور مختصر به دوستان پیش کش می نمایم.

به روز ۱۵ اکتوبر از میدان هوایی نشنل واشنگتن عازم بوستون شدیم و بعد از دو ساعت توقف ذریعه یک طیاره چینی مربوط به خط هوایی هاین ایر لاین (Hainan Airline) چین که تصدی مشترک دولت و سرمایه گذاری خصوصی است، به سوی بیجینگ (بیکنگ سابق) مرکز چین حرکت کردیم. ۱۳ ساعت پرواز بسیار خسته کننده بود، اما مهمان نوازی کارکنان طیاره که در نوع خود بینظیر بود، ثقلت ۱۳ ساعت نشستن در طیاره را کمتر ساخت. کارکنان با پیشانی باز، لبخند ملیح و رویه انسانی از مسافران پذیرائی می کردند. طیاره هاین دوبار غذای شب به مهمانان تقدیم کرد و به وقفه ها هم هر نوع نوشابه را در اختیار مسافران می گذاشت. سختی و گشنگی خطوط هوایی امریکا درین طیاره چینی به نظر نمی رسید و حتا بعضی مسافران گاه گاهی به "کارخانه" طیاره می رفتند و مواد غذایی و یا نوشابه مورد نظر را بر می داشتند.

سرانجام به بیجینگ رسیدیم. در همان دقایق اول، چندین طیاره دیگر از سایر نقاط جهان به قسمت بین المللی میدان هوایی بیجینگ مواصلت کرد که تعداد مسافران ازدحام زیادی را باعث گردید. ایرکندیشن میدان هوایی قبلاً خاموش ساخته شده بود، زیرا وسایل سرد ساختن تعمیرات دولتی و هتل ها در چین نظر به گفته رهنمای سیاحت ما، در آغاز ماه اکتوبر خاموش می شوند تا بتوانند بیشتر صرفه جوئی نمایند. چیزی که در قدم اول توجه من را در میدان هوایی بیجینگ جلب کرد، نبود افراد امنیتی مسلح بود که هیچ یک از آنها اسلحه حمل نمی کردند، درحالی که در میدان های هوایی امریکا و اروپا همه مأموران امنیتی مجهز با تفنگ و تفنگچه اند. همچنان متوجه شدم که ماشین های امنیتی بیجینگ که بکس ها و وسایل مردم را عکس گیری می کنند به مراتب حساس تر و هشیار تر از ماشین های امنیتی امریکا و اروپا است. همچنان باید یاد آور شوم که مأموران امنیتی میدان هوایی بیجینگ با هیچ مسافری عصبانیت و

پیشانی ترشی نمی کردند و با تمام خونسردی عمل می نمودند. بعد از مدت یک و نیم ساعت انتظار در فضای نسبتاً گرم و آزار دهنده میدان هوایی بیجینگ و طی کردن مراحل قانونی وارد سالون منتظرین شدید. در این جا فرد موظف که رهنمای سیر و سیاحت ما بود، انتظار مسافران را داشت. در گروپ ما ۲۵ تن شامل بودند که همه از نقاط مختلف امریکا آمده بودند. رهنما به زبان انگلیسی آشنائی داشت و با لهجه خاص خود ادای مطلب می کرد. مسافران در سرویس ها جا به جا شدند و به سوی هتل محل اقامت در شهر بیجنگ به راه افتادیم. با وجودی که نا وقت شب بود، اما ترافیک و تعداد موتر ها مانند صبح امریکا در حرکت بودند. در خلال چند روز اقامت در بیجینگ، نفهمیدیم که کدام ساعات وقت ازدحام است و کدام ساعات اوقات عادی. آنقدر موتر و وسایل نقلیه در بیجنگ بالا و پائین می رود که ترافیک نیویارک و واشنگتن در مقایسه با آن مانند یک میدان هموار و خالی است. حین مواصلت به یک هتل زیبا و پنج ستاره، پاسپورت های مسافران را کاپی کرده و بعداً کلید اتاق ها را در اختیار مسافران قرار دادند. پروگرام طور دقیق طرح ریزی شده بود. هر روز ساعت هشت صبح باید آماده می شدیم تا رهنما ما را به سیر و سیاحت جا های تعیین شده ببرد. صبحانه هتل در نوع خود بینظیر بود. انواع و اقسام خوراکی ها اعم از چینی و غربی در اتاق طعام خوری ساعت شش و نیم صبح آماده می شد. سحر خیزان وقت کافی برای صرف چای صبح داشتند و برای یک تعداد از پرخوران گروپ ما بهترین زمینه برای شکم پرکردن بود.

بیجینگ

بیجینگ نه تنها پایتخت، بلکه یک مرکز بزرگ سیاسی و فرهنگی چین است که از عظمت خاصی برخوردار می باشد. تعمیرات مجلل و عظیم الجثه در این شهر اعمار گردیده، اما از آسمان خراشهای شانگهای و هانکانگ درین شهر خبری نیست. آثار محیر العقول تاریخی درین شهر وجود دارد که سیاحان را به سوی خود می کشاند. مردم در مجموع بسیار آرام، مودب و خاموش اند و به کسی کاری ندارند، مگر این که شناسائی قبلی وجود داشته باشد. دست بالا کردن و گفتن های و بای نوع غربی در چین مروج نیست. بیجینگ یک شهر مدرن است که آثار پیشرفت و توسعه تکنالوژی در آن به آسانی مشاهده می شود. شبکه های کمپیوتری این شهر که طبق گفته رهنمای سیاحت در همه نقاط کشور وجود دارد، من را به حیرت انداخت. شهر طور دقیق اداره می شود و مردم هم به قوانین کشور خود سخت پابندی نشان می دهند. آزادی در فعالیت اقتصادی حدی ندارد، لکن در ساحة سیاسی نباید پا را از گلیم فراتر گذاشت. یگانه نقطه منفی در بیجنگ هوای آلوده آنست که مردم مریض در جریان گشت و گذار پوزبند به دهن می گذارند تا از گزند تنفس هوای ناپاک در امان باشند. هوای آلوده باعث شد که عکس ها زیاد روشن به نظر نرسند. مغازه های شهر مانند سایر شهر های نظام های سرمایه داری پر از مواد خوراکی و پوشاک است و هیچ گونه کمی دیده نمی شود.

روز اول سیاحت از قصر تابستانی امپراتور های گذشته چین آغاز شد. این قصر یکی از مراکز توریستی چین است که هر روز به تعداد حد اقل ۳۵ هزار تن از آن دیدار می کنند و عاید سرشار را نصیب دولت چین می سازند. قصر بین سالیان ۱۷۵۰ و ۱۷۶۴ در عهد امپراتور کونگ در پهلوی یک جهیل مصنوعی ساخته شد. به خاطر نگهداری این محل تاریخی، این قصر و حومه آن در حال کنونی زیر نظر یونسکو هم قرار دارد و وقتاً فوقتاً مورد ترمیم قرار می گیرد. بدون تردید که این قصر و ساحة وسیع مربوط به آن یکی از دیدنی ترین محلات در بیجینگ است. رهنمای سیاحت، ما را بعداً به یک مغازه مروارید فروشی برد که یک عده از گروه ما خریداری کردند. یکی از اهداف پروگرام سیاحت در بیجینگ بردن سیاحان به معازه های زیبا و قیمتی است که از این طریق عاید کلانی نصیب دولت چین می شود. در جریان گشت و گذار در این محل، حادثه ای اتفاق افتاد که نزدیک بود سه تن ما را سخت وارخطا و افسرده سازد. من و

دوستم و یک تن دیگر که مصروف دیدار و عکس برداری بودیم، از جمعیت دور ماندیم. نظر به سوء تفاهم و نفهمیدن گفتار رهنما و عدم برگشت ما در محل معین، رهنما و سایر افراد در گروپ، ما را ترک کردند و رهسپار مغازه مروراید فروشی شدند. واقعاً که ناامیدی ما را فرا گرفت و حیران ماندیم که چه باید بکنیم. اشتباه از هر دو جانب سر زد، اما اشتباه رهنما بیشتر بود که چطور سه تن بیگانه را در یک محل نا آشنا و شهر بزرگ ترک کرد. بالاخره یک خانم عادی که با زبان انگلیسی آشنائی داشت با اداره سیاحان تماس گرفت و رهنما را دوباره به همان محل فرستاد. ما از رهنما سؤال کردیم که چرا ما را تنها گذاشت و به جواب گفت که او فکر کرد که ما سه تن به هتل رفته رفتیم. رهنما بعداً از ما معذرت خواست. هر سه تصمیم گرفته بودیم که اگر رهنما ظاهر نشد، ذریعۀ تکسی خود را به هتل برسانیم و در آنجا منتظر بمانیم که درین صورت روز اول ما بریاد می رفت و ما را مغموم می ساخت.



داخل قصر تابستانی

روز دوم به سوی میدان معروف تیانانمن رفتیم که در آنجا خیزش های به اصطلاح دموکراتیک سال ۱۹۸۹ رقم خورد و تلفاتی در بر داشت. در اینجا بار اول بود که افراد مسلح را مشاهده کردم. رهنمای سیاحت به ما گفت که "از عکس گرفتن مستقیم خودداری ورزید چون ممکن است که عسکر کمره شما را بگیرد و یا به دور افگند. اگر باز هم آرزوی عکس گرفتن را داشته باشید، سعی کنید که مخفیانه عکس بگیرید". مقبره مائو تسه تونگ متصل به میدان تیانانمن است که در همان روز بسته بود. من و دوستم آروز داشتیم که از نزدیک آن را مشاهده نمائیم؛ لکن نسبت ترمیمات، چند روزی به روی سیاحان مسدود شده بود. با وجودی که روحیه و حرارت انقلابی مانند گذشته نیست، اما مردم بالاخص دهقانان به رهبر انقلاب چین ارج بسیار می گذارند.

یک جایگاه تاریخی دیگر که در نزدیکی میدان تیانانمن واقع است و به نام شهر ممنوعه یاد می شود در همین روز از دیدار ما بی نصیب نماند. این محله بزرگ و وسیع بیشترین سیاحان داخلی و خارجی را جلب می کند. این شهر در زمان دودمان امپراتوری منگ یعنی عصر بردگی در چین آباد شد و تا سرنوشتی دودمان امپراتوری کونگ در سال ۱۹۱۲ ملکیت امپراتوری ها بود. بعد از انقلاب ۱۹۱۱ تحت رهبری داکتر سون یات سن، همه قصر های امپراتور ها به ملکیت عامه مبدل گردید و نظام امپراتوری برای ابد از چین برداشته شد که اوج آن انقلاب مردمی ۱۹۴۹ به رهبری مائو تسه تونگ است که هنوز هم در میان دهقانان و کارگران مزد بگیر از محبوبیت خاصی برخوردار است.

کار این شهر در سال ۱۴۰۶ آغاز و در سال ۱۴۲۰ تکمیل گردید که جمعاً ۱۴ سال طول کشید. طبق توضیحات رهنمای سیاحت، بیش از یک میلیون نفر در ساختار شهر ممنوعه کار می کردند. داخل شهر ممنوعه به چندین حویلی تقسیم شده است که هر کس نمی توانست در آن داخل شود. روی همین دلیل آن را شهر ممنوعه می گویند. رعایا و افراد مهم چین که برای ادای احترام نزد امپراتور می آمدند، روز ها در حویلی های اول نظر به مقام انتظار می کشیدند تا به درگاه امپراتور شرفیاب گردند. باید یاد آور شد که فوتوی بزرگ مائو رهبر انقلاب سوسیالیستی چین بر بالای در شهر ممنوعه آویخته شده که نمایانگر قوت دهقانان و کارگران است که تحمل بی حرمتی به صدر مائو را ندارند.



دروازه ورودی شهر ممنوعه



در میدان تیانانمن و مقابل شهر ممنوعه



یک گوشه زیبا از میدان تیانانمن

روز بعد به سوی دیوار بزرگ چین شتافتیم که یکی از عجایب ساخته بشر است. این دیوار به منظور جلوگیری از حملات مغل و سایر یورشگران ساخته شد تا چین و امپراتوری هایش از تعرض اجانب مصون باقی بماند. کار دیوار از قرن ۷ قبل از میلاد آغاز شد و مهمترین قسمت آن در سال های ۲۲۰ و ۲۰۶ قبل از میلاد توسط کون شی هانگ ([Qin Shi Huang](#)) امپراتور اول اعمار گردید. قسمت اعظم این دیوار بزرگ در زمان دودمان منگ به پای اکمال رسید و همچنان گاه گاهی توسط سایر امپراتور ها بر آن علاوه می گردید. دیوار ارزش مهم تاریخی دارد که در صورت ضرورت کار ترمیم آن زیر نظر یونسکو صورت می گیرد. از زمره ۲۵ تن در گروه ما، صرف سه تن به شمول اینجانب توانستیم به آخرین نقطه بالائی که برای سیاحان اجازه داده می شود، برسیم. بقیه نفس زنان تا نیمه راه از پا افتادند و توان بالا شدن تا آخرین نقطه را در خود ندیدند. این حالت باعث شد که ناتوانی بعضی ها را به شوخی بگیریم و بخندیم. زینه هائی که برای بالا شدن اعمار شده بسیار شیخ و خسته کننده است و واقعاً برای کسانی که تکلیف پا و کمر دارند، بالا شدن همه این زینه ها ناممکن است. در همین روز در چند مغازه دولتی جواهر فروشی هم سر زدیم که زیبایی جواهرات همه را مبهوت ساخته بود. سیاحان کم بغل مانند من توان خریداری را نداشتند، اما چانه زدن مانند افغانستان بر سر قیمت یک متاع، به یک نوع فرهنگ اجتماعی مبدل شده است. بایست علاوه نمایم که غذای چاشت و شب با کمال کفایت تهیه می شد و به مهمانان تقدیم می گردید. حینی که به رستوران مورد نظر برای صرف غذا می رسیدیم، در کمتر از سی ثانیه غذا ها بالای میز گذاشته می شد. طرح ریزی بسیار دقیق صورت گرفت که تا حد ممکن از وقت استفاده شود و سیاحان بتوانند بیشتر جا را ببینند. قابل یاد آوری است که در شب آخر در بیجینگ، به نمایش آرت جنگی کونگ فو رفتیم که فوق العاده دلچسپ بود.



در شروع دیوار بزرگ چین



منظره دیوار بزرگ از یک نقطه بالا

هانگانگ

بعد از چهار روز اقامت در بیجینگ، رهسپار هانگانگ یکی از مستعمراتی سابق برتانیه شدیم. این شهر بعد از ۱۰۰ سال حاکمیت برتانیه در سال ۱۹۹۷ دوباره به چین تعلق گرفت، لکن هنوز هم به همان نحو سابق اداره می شود. طیاره ایر بس خط هوایی هانگانگ ما را به این شهر آورد. پرواز سه ساعت طول کشید، اما خسته کننده نبوده و خدمات داخل طیاره هم ستودنی بود. در میدان هوایی هانگانگ گمرک و اداره مهاجرت مانند دوره گذشته وجود دارد و مثل یک کشور مستقل ویژه صادر می نماید. راهنمای سیاحت ما را ذریعه سرویس به داخل شهر برد. به مجرد رسیدن در داخل شهر هانگانگ و گشت و گذار در سرک های مزدحم آن، تغییر آنی را در کردار و رفتار مردم این شهر

احساس کردم. اخلاق پائین سرمایه داری در کوچه و بازار به وضاحت دیده شده و متانت و خون سردی مردم بیجینگ به مشاهده نمی رسید. آسمان خراش های هانگانگ شهرت جهانی دارد که در پهلوی آن حیات نکبت بار مردم عادی هم جلب توجه می کند. رهنمای سیاحت گفت که در هانگانگ ۲۲ میلیارد و ۲۷۵۰۰ میلیون وجود دارد که مصرف داد و ستد معاملات پولی، مالی و اعمار آسمان خراش ها اند. بقیه افراد، مزد بگیر یا خرده بورژا اند که در سطح پائینتر داد و ستد قرار دارند. اکثر مراکز تولیدی سابق به داخل چین رفته و با استفاده از روش تشویقی دولت چین و ارزانی زمین و ملکیت، مراکز خود را در آن کشور تأسیس نموده اند. هانگانگ در حال کنونی هیچ مؤسسه تولیدی ندارد و همه فعالیت ها به دور بانک های مالی و خریداری و فروش ملکیت می چرخد. در حال کنونی، هانگانگ مانند نیویارک، توکیو و لندن یکی از مراکز عمده اسعاری و مالی جهان شمرده می شود. خریدن خانه درین شهر از توان هر کس ساخته نیست. هر فت ۴۰۰۰ دالر قیمت دارد که به جز متمولین، افراد عادی نمی توانند ملکیت خریداری نمایند. جای تعجب این که دولت چین در کار و فعالیت اقتصادی هانگانگ مداخله نمی کند و این سرزمین را به حال خودش گذاشته است. رهنمای سیاحت در هانگانگ ما را ذریعه سرویس به اکثر نقاط دیدنی این شهر برد که برای ما خوش گذاشته دلچسپ ترین همه مجسمه برونز بودا بود. این مجسمه توسط متخصصین سیرالانکا ساخته شده و در سال ۱۹۸۱ بالای یک کوه بچه نزدیک به یک تفرج گاه، نصب شده است. ما خود را ذریعه موتر های هوایی کیبلی که نیم ساعت طول کشید، به آنجا رساندیم و از دیدار مجسمه تاریخی بودا که شگفت انگیز بود، خرسند گردیدیم.



مجسمه بودا در هانگانگ

ماکانو

ماکانو یکی از مستعمرات سابق پرتغال است که پس از ۱۰۰ سال دوباره در سال ۱۹۹۹ به چین تعلق گرفت. این منطقه یک ساعت با کشتی از هانگانگ فاصله دارد. ما هم بعد از طی مرحله قانونی در هانگانگ توسط یک کشتی به سوی شهر خود مختار ماکائو به راه افتادیم. اداره مهاجرت ماکائو طور اسمی به سیاحان ویزه می دهد که چینی ها را هم در بر می گیرد. ماکائو مانند لاس ویگاس به شهر قمار معروف است. حین رسیدن به معیاد گاه، رهنمای سیاحت

همه را خوش آمدید گفت و آن‌ا پروگرام سیر و سیاحت یک روزه را عملی نمود. ذریعۀ سرویس به اکثر قسمت های این شهر کوچک رفته، گشت و گذار نمودیم.



شکوه و فقر در ماکائو

ماکائو مانند هانکانگ مؤسسات تولیدی ندارد و یگانه عایدش از قمارخانه هاست. نظر به گفته رهنمای سیاحت، استعمارچیان پرتگالی، صرف ۲ میلیارد دالر ماکائو را حین برآمدن در خزانه گذاشتند و بقیۀ ثروت را با خود بردند. دولت چین هشیارانه عمل می کند و به کار های اداری و پولی این شهر اصلاً غرض ندارد. با موجودیت قمارخانه های باشکوه، فقر و بدبختی درین شهر بیداد می کند. ۷۰ فیصد مردم این شهر زیر خط فقر به سر می برند و بیشترین پول ناشی از عاید قمارخانه ها در جیب صاحبان سرمایه می افتد و یک مقدار کوچک برای مصارف شهری تخصیص داده می شود. رهنمای سیاحت گفت که نارامی های اجتماعی و جنگ غیر مرئی طبقاتی حساسی در حال تکوین است، ولی صاحبان سرمایه برای مردم مجال تبارز نمی دهند و کلاً بر اوضاع نظارت می کنند. رهنمای سیاحت ما را در یکی از کازینو ها به نام Venetians Casino برد که از نگاه شکوه و جلال، کازینو های لاس وگاس در مقام مقایسه با آن مانند یک سرای کثیف است. در اخیر ساعات روز به هانکانگ برگشتیم تا کمی استراحت کرده و روز بعد برای پرواز جانب بیجینگ آمادگی بگیریم. به تاریخ ۲۲ اکتوبر از هانکانگ به بیجینگ آمدیم و در همان روز به سوی بوسنون با طیاره خط هوایی هاین پرواز نمودیم. ساعت نه و نیم شب بود که ذریعۀ طیاره جت بلو به ورجینیا رسیدیم. این بود خاطره هشت روز سفرم به آن سوی جهان که فراموش ناشدنی است.